سال اول - شماره ۱۲۲ صبح سه‌شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۲۲ تکشماره یکریال

آژیر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آژیر روزهای یکشنبه، سه‌شنبه، پنجشنبه منتشر میشود

« بهای اشتراك »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمان و کارمندان جزء دوائر [illegible] تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

نشانی اداره:
(خیابان [illegible])

ما نمی توانیم بمذاق ...

[illegible]

آری ما میتوانیم بمذاق همه بنویسیم اگر چنین بودیم وضعمان هم از این بهتر میشد. شما تصدیق هر رای سیاسی را در صحایف این نامه جستجو بکنید، ما هیچگاه منافع کسانی را که دفاع از حقوق حقه شان را بعهده گرفته ایم از نظر دور نمیداریم. این کسان عبارتند از [illegible] ملت ایران. تمام دارائی [illegible] این منافع حفظ قانون اساسی و استقرار دموکراسی و آزادی را در این مرز و بوم ایجاب میکند. ما باین اصل ایمان داریم و اگر ارتش هم در این طریق حاضر شد [illegible] خواهیم گفت که بما بگوئید و در اصلاح خود بکوشیم. آری اطمینان داشته باشید که اشتباهات کوچک ما هم در گذشته و حال اگر واقع شده از حسن نیت بوده است. [illegible] آن اندازه که گذشته و حال میتواند ملاک برآورد روش آتی باشد میتوانیم واضح بخود اطمینان دهیم و [illegible] میخواهند بما کمک کنند که در دفاع از دموکراسی و حقوق مسلمه ملت ایران روش مستقل داریم و تحت تأثیر این و آن نمیرویم و در عین حال راهی را که مستقلانه برگزیده ایم بدون هراس پیش گرفته و میرویم.

اگر آن [illegible] ملاک کاری که از همه چیز برتری داشته باشد میخواهید بخوانید [illegible] یک کمی بالاتر از آن [illegible].

ما قلم را وسیله معاش قرار نداده ایم. این در دست ما سلاحی است، سلاح مبارزه است.

نبردی را که در آزادی و حبس و تبعید تعقیب میکردیم، امروز هم با این سلاح عملی میکنیم.

این نبرد برای [illegible] آزادی، برای تحصیل دموکراسی، برای آئین زندگی بهتری جهت طبقه محروم است. ما میدانیم که مبارزه ما با اشخاص و [illegible] است، ما میدانیم که بفضای خالی حمله میکنیم.

وقتی شراره غضب را در چشم حریفان می بینیم، هنگامیکه چهره برافروخته از کینه و حس آنان را مشاهده میکنیم مسرور میشویم، بخود تسلی میدهیم. آنوقت میفهمیم که سلاح ما کارگر شده است.

آزادیخواهان باید دشمن داشته باشند. اگر دشمنی نباشد مبارزه نیست و اگر مبارزه نباشد حیات نیست ولی حرف ما همیشه این بوده و هست که دشمنی‌های بیهوده روی [illegible] را تحریک و تولید نکنیم.

برویم سر مطلب خودمان. [illegible] با دوستان و خوانندگان خودمان [illegible] کنیم. این درد دل ها گاهی لازم است در واقع مثل یک تصفیه حسابی است که گاهبگاه بعمل میآید.

مسائل بسیاری در این اواخر پیش آمد که بعضی از خوانندگان و دوستان ما با [illegible] ما موافقت [illegible] نداشتند. ما هم چنین [illegible] از آنان [illegible] داشته ایم. ما [illegible] عقاید خود را آزادانه بگوئیم، کوشش میکنیم عقاید دیگران را هم محترم بداریم. البته محترم داشتن عقاید دیگران مستلزم این نیست که با بعضی عقاید [illegible] در مقام مبارزه بر نیائیم.

[illegible] در این ایام ایراداتی [illegible]، بعضی از دوستان بدون اینکه موقع و مقتضیات را در نظر بگیرند [illegible] یکی میگفت چرا بیانیه انتخاباتی حزب توده را چاپ کردید؟ این دوست عزیز فراموش کرده بود که روزنامه ما [illegible] در صفحه [illegible] چاپ میشود [illegible] با [illegible] پارلمانی حزب توده موافقت کامل داریم. یکماه قبل از افتتاح مجلس و هم دو روز پیش از گشایش [illegible] در شماره اول [illegible] در طی مقاله تحت عنوان « **مجلس چهاردهم باز میشود - ما ایران را چگونه میخواهیم؟** » ما پروگرام خود را بنمایندگان دوره چهاردهم تقدیم [illegible] کردیم. این پروگرام خلاصه از آرزوی تمام اصلاح طلبان و خیرخواهان است [illegible] آنرا باز امروز بدون تحریف و تغییر منتشر میکنیم.

حتی این نکته در نطق افتتاحیه اعلیحضرت شاهنشاه هم دیده میشود. این تصادفات دلیلی است بر اینکه هیچکس نمیتواند در ایران امروز در اصلاح امور فکر کند و [illegible] را [illegible] فراموش کند.

[illegible] اعلیحضرت شاه باشند یا [illegible] باشند یا ما باشیم، حزب توده باشد، [illegible] باشند و یا حزب دیگر فرق نمیکند. هر کس [illegible] بهبود وضع این کشور فکر کند مراعات قانون اساسی، مراعات آزادی مردم، تعمیم دادگستری، تصفیه ادارات، حسن روابط با دول معظم همسایه، [illegible] کردن فرصت [illegible]، اصلاح حال کشاورزان و کارگران [illegible] آینده کشور را از هر چیزی لازم تر خواهد دانست.

[illegible] از حرف تا عمل کمی مسافت وجود دارد. صداقت گفتار [illegible] خواهیم فهمید. [illegible] صحت [illegible] این گفتارها است.

یکی دیگر از دوستان ما [illegible] ایراد کرد که چرا در شماره گذشته نطق اعلیحضرت شاه را در اول صفحه گذاشتیم [illegible] که تکرار [illegible] در اینجا ضرورت نداشت.

[illegible] گذشته ما بلافاصله بعد از گشایش مجلس ۱۴ منتشر شد. بزرگترین واقعه روز این گشایش بود و مهمترین خبر این گشایش هم همان خطابه بود. بالطبیعه جایش همانجا بود که گذاشته شد. اعلیحضرت شاه برطبق قوانین مشروطیت و قانون اساسی مسئولیتی ندارد. خطابه افتتاحیه مجلس هم سیاست عمومی دولت را بیان میکند. ما با این سیاست خارجی که در خطابه گنجانیده شد مخالفتی نداریم و برای اینکه نظر خود را اظهار کنیم منتظر عمل خواهیم شد. آنوقت اگر لغزشی پیش آمد و [illegible] ایراد از طرف هر که باشد بجا وارد است.

یک رفیق دیگرمان اظهار داشت که چرا راجع برای محکمه که متهمین شهربانی را در موضوع قتل مرحوم دکتر ارانی تبرئه کرده است چیزی ننوشتید. با او ما شماره ۱۱۱ مورخ نهم بهمن ۱۳۲۲ را نشان دادیم. در آن شماره که تقریبا بیست روز قبل از صدور رای محکمه منتشر شده ضمن تفسیر اخبار داخله چنین نوشتیم:

«... یکی از مطلعین میگفت اساسا دستور داده شده است در موضوع قتل دکتر ارانی همه متهمین را تبرئه کنند ... دربار [illegible] معتقدند که [illegible] ... خدا کند این اطلاعاتی که بما رسیده است راست نباشد والا اگر واقعا این اعمال نفوذ آشکار در قوه قضائیه حقیقت داشته باشد نه بر مرده ارزنده باید گریست.»

با نوشتن این جملات ما عقیده خود را نسبت بدستگاه دادگستری آنروز صریحا اظهار کرده بودیم. رای محکمه هم با پیش بینی ما مطابق درآمد.

یکی دیگر شکایت کرد که چرا با خواجه نوری مخالفت کردیم، میگفت خواجه نوری [illegible] جرائد [illegible] بود [illegible] اصول هستیم. آزادی مطبوعات را برای این کشور ضروری میدانیم و [illegible] مطبوعات [illegible] دستگاهی که میخواهد آنها را محکوم و مقید کند [illegible]. این جرائد از طفل شیر خوار هم معصوم تر بنظر میایند. [illegible] کشور ما مشروطه بوده، قانون دارد، آقای خواجه نوری هم در تبلیغات کارشان زیاد است. [illegible] ندارد که قانون و دادگستری را هم بکار های دیگر خود اضافه کند.

همان دوستی که در اطراف نطق شاه سخن گفت ایراد دیگری هم پیدا کرده چنین گفت « گذشت ها گذشت. کیست که در گذشته خبط نکرده باشد. شما چرا اینطور [illegible] مخالفت می کنید. حالا که او [illegible]» [illegible] با این دوستمان جواب داده گفتیم: اگر شاه سابق [illegible] کرده و ادعا کند که دیگری چشم طمع بمال مردم [illegible] و جنایات را در این کشور [illegible] آیا باید باور کرد؟ [illegible] که با یکدیگر برابر بوده.

یکی از آزادیخواهان هم شکایت پیش دوستان ما برده که چرا نسبت بافکار زاده [illegible]ن ارزانی شده است ...

هر که در این دهر مقرب تر است
جام بلا بیشترش می دهند

[illegible] تقی زاده آزادیخواه و [illegible] مشروطیت که در [illegible] هم از نظر اصول با او مخالفت کرد با رضاخان سردار سپه [illegible] بود. چنانکه یکبار گفتیم حیثیت و اعتبار و وجهه امثال او جزو سرمایه ملت ما میباشد. اینها حق ندارند در امانت خیانت کنند و آن سرمایه وجهه و حیثیت را لکه دار کنند. شاه سابق [illegible] خراب کردن تقی زاده [illegible] و او را بدام آورد. ما در این خصوص [illegible] داریم. آیا اگر [illegible] چیزها را برای عبرت آزادیخواهان جوان بگوئیم خطا کرده ایم؟

یکی دیگر از مامورین عالیرتبه که مرد درستی است و هنوز از وزارت دارائی [illegible] ایراد [illegible] که چرا بعضی اوقات راجع به برخی [illegible] آقایان [illegible] امریکائی اشاره ای میکنیم. هیچکس نباید از ما توقع داشته باشد که خبط و خطاها را بپوشانیم و یا در مقابل آن سکوت اختیار کنیم. وقتی آقای دکتر میلسپو باین کشور ورود کرد ما از او پشتیبانی کردیم. مقالات گذشته ما بهترین شاهد ماست. از [illegible] بشدیدترین طرزی دفاع کردیم. ولی [illegible] مالیات جنگ را بصورت یک لایحه [illegible] درآورده و تصویب کرده و آقای [illegible] در شماره ۸۶ آژیر مورخ ۲۹ آبان ۱۳۲۲ در سرمقاله که راجع به [illegible] مالیات جنگ نوشتیم چنین گفتیم: « آیا تمام این بازی ها برای اغفال مردم نبود که ما را در مقابل یک امر واقع شده [illegible] قرار داده و مجبور و لاعلاج کنند؟ آیا [illegible] جنگ [illegible] برای آن بود که کشور و ملت [illegible] ما را مجبور [illegible] کنند؟ »

زمزمه استقراض [illegible] شروع شده است. آنوقت [illegible] های خود را آشکارا بیان کردیم و امروز هم تکرار میکنیم. ملت [illegible] اگر با وضع فعلی از خارج استقراض کند باید برای پرداخت [illegible] استقلال خود را تسلیم نماید. [illegible] پول [illegible] خرج میشود هیچ کنترلی در بین نیست.

ما [illegible] پول هم [illegible] ما را یکبار [illegible] و حالا هم از طرف خارجی صحبت میدارند. تقدیر [illegible] ما که یکی از قدیمترین ملل های جهان هستیم [illegible] کوشش [illegible] ما را [illegible] کند.

ما [illegible] خیلی میل داشتیم [illegible] گفتن این حقایق تلخ [illegible] گفتیم.

در امور اقتصادی و مالی ما هیچگونه بهبودی مشاهده نمیشود. حرف و وعده تا کنون خیلی تحویل گرفته ایم، ولی ما هم حرف [illegible] بودیم.

شاید هم حرفهائی که بزبان خودمان [illegible] مطبوع تر بوده. تازه [illegible] یکسال میگویند باید قرض بکنیم. [illegible] را هم خودمان بلد بودیم. عقیده ما [illegible] نمایندگان مجلس چهاردهم باید در این مسائل [illegible] فوری بکنند و [illegible] چاره [illegible] « این هم جواب آن دوست ما که [illegible] »

بالاخره یکی [illegible] ایراد کرد که چرا مقالات [illegible] یکی هیچ [illegible] چه باید [illegible] کرد. ما به [illegible] نداریم.

نقل از شماره ۲۹ دی ۱۳۲۲ آژیر

مجلس چهاردهم باز میشود ایران را ما چگونه میخواهیم؟

نمایندگان دوره چهاردهم وظیفه سنگینی بعهده دارند. ما آنان را میشناسیم و [illegible] نمیگوئیم منافع خود را [illegible] بگذارند، [illegible] ساده لوحی [illegible] میخواهیم که آنان [illegible] پیش [illegible] در این جامعه [illegible] در میان [illegible] ما [illegible] پروگرام خودمان را [illegible] پیشنهاد [illegible] اینک این پروگرام:

قانون اساسی مشروطیت ایران پیش از همه چیز و بالاتر از همه چیز است. این قانون باید بدون [illegible] کامل اجرا و محترم شمرده شود و تمام آئین نامه ها و قوانینی که در طرف مدت بیست سال اخیر برخلاف آن تدوین شده و با آن تطبیق نمیشود باید لغو گردد.

در سیاست داخلی باید اصل آزادی و محترم شمردن عقیده و آراء جاری شود و در عین حال [illegible] اصول دادگستری [illegible] جلوگیری بعمل آید.

شهربانی باید [illegible] طرز فکر و عمل خود را عوض [illegible] امنیت [illegible] انجمن های ایالتی و ولایتی [illegible] ایران [illegible] شهرستان ها اختیاراتی داده شود [illegible] تشکیلات [illegible] اسلوب [illegible]

در قسمت سیاست خارجی نظر ما در یکی از مقالات [illegible] تحت عنوان « درباره سیاست خارجی » ذکر شده است: ایجاد روابط صمیمانه و صادقانه با تمام کشورهای همسایه علی الخصوص اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و [illegible] باید اساس سیاست خارجی ما باشد.

در قسمت دادگستری چنانکه پیش گفتیم تمام قوانینی که در دوره [illegible] گذشته برخلاف قانون اساسی [illegible] شود و دادگستری از عناصر [illegible] و استقلال کامل [illegible] تامین گردد.

راجع به فرهنگ قانون تعلیمات اجباری که تصویب [illegible] گذاشته شود و در [illegible] از طرف ملت [illegible] مردم [illegible] اشکالات دیگر [illegible] خواهد کرد.

در موضوع ارتش اصلاح ارتش و [illegible] آن، تصفیه [illegible] عناصر [illegible] مجلس چهاردهم **باشد دست ایادی مرتجع و ناپاک از ارتش دور!**

بازرگانی وصنعت برای [illegible] بازرگانی و صنعت کشاورزی [illegible] اقدامات [illegible] ازدیاد ثروت ملی و رفع [illegible] عموم و آسایش خلق موثر است اقدام بشود.

کشاورزان در [illegible] سهم مالکانه [illegible] مجلس چهاردهم که اکثریت آن از مالکین [illegible] امیدواری [illegible] این موضوع [illegible] دکتر میلسپو [illegible] اوضاع [illegible] مال الاجاره زمین و اصلاح آبیاری و [illegible] عمومی کشاورزی کشور و بهبود اوضاع عمومی [illegible] خواهد کرد.

کارگران اجرای [illegible] کارگران [illegible] اساس قانون کار و تنظیم روابط بین کارگر و کارفرما و تامین یک زندگی آبرومند برای کارگران کشور [illegible] حد اقلی است که مجلس چهاردهم باید در نظر داشته باشد. بطور عموم در وضعیت تمام قوای مولده کشور باید تجدید نظر شود [illegible] برای [illegible] امروز و فردای [illegible] دولت هم باید طرح های [illegible]

این اساس [illegible] است که [illegible] اقدامات دیگری را که باید [illegible] عمل آید افزون خواهد کرد.

این خلاصه آرزوهای ملت ما درباره نمایندگان [illegible] خواهیم کرد.

بقلم ن. بالتیسکی از جنگ و طبقه کارگر

همسایه ما لهستان

سیاست خارجی لهستان

سیاست خارجی لهستان پس از انعقاد پیمان ورسای همواره نسبت به اتحاد شوروی خصمانه [illegible] شوروی در کشور [illegible] قرار گرفته بود ([illegible] شوروی [illegible] ۱۹۲۷ [illegible] شوروی در [illegible] تجارتی شوروی [illegible] فراموش نشده است) [illegible] آلمان [illegible] لهستان [illegible] کشور [illegible] سیاست [illegible] کرد.

در آنزمان سیاست خارجی لهستان نسبت به شوروی خصمانه [illegible] و بطور دائم امنیت کشور شوروی و دیگر کشورهای صلح دوست اروپا را تهدید میکرد. تا سال ۱۹۳۲ سیاست خارجی لهستان [illegible] سرزمین [illegible] بود [illegible] سال ۱۹۳۴ لهستان [illegible] خیانت کرده و همکاری [illegible] آلمان برقرار کرده و یک پیمان سیاسی با آن منعقد نمود.

در آنموقع بین فرانسه و اتحاد شوروی [illegible] برای انعقاد یک پیمان [illegible] بود. [illegible] امنیت کشورهای شرکت کننده در آن پیمان [illegible] این پیمان [illegible] امنیت لهستان را نیز تامین [illegible] لهستان و آلمان [illegible] کرده.

در پائیز ۱۹۳۴ اتحاد شوروی [illegible] مجمع اتفاق ملل شد و برای جلوگیری از تجاوز [illegible] پیمان امنیت مشترک را پیشنهاد کرد. آلمان [illegible] مبارزه [illegible] مجمع اتفاق ملل و اصول امنیت مشترک آغاز کرده.

ولی چون خود در آنزمان عضو مجمع نبود [illegible] لهستان استفاده کرده [illegible] پیشرفت هر گونه کوششی که در راه جلوگیری از تجاوز [illegible] نمایندگان لهستان را [illegible] جاسوسی خود بکار برد.

[illegible] که لهستان از سال ۱۹۳۵ تا سال ۱۹۳۸ در مجمع اتفاق ملل بازی کرد [illegible] منحصر به [illegible] بود.

یک وزیر خارجه لهستان [illegible] هیتلر و موسولینی را در مجمع [illegible] تجاوز [illegible] فاشیست [illegible] که کشور مزبور را در [illegible] هیتلر [illegible] چکوسلواکی [illegible] رومانی و یوگوسلاوی هم [illegible] کرد که اتفاق [illegible] کرده و [illegible] فرانسه و چکوسلواکی را [illegible] کند.

[illegible] با کوشش [illegible] پیمان [illegible] لهستان و رومانی را که [illegible] اتحاد شوروی [illegible] شده بود [illegible] کرده و توسعه داد.

[illegible] کوشش کرد که تحت رهبری لهستان [illegible] از دول بالتیک [illegible] شوروی [illegible] دهد.

از [illegible] سیاست [illegible] هیتلر [illegible] ظاهر [illegible] در مقابل [illegible] سیاست صلح [illegible] شوروی [illegible] از طرف [illegible]

[illegible] سیاست مربوط [illegible] سیاست خارجی [illegible] سیاست لهستان [illegible] های تجاوز [illegible] دیکتاتور لهستان [illegible] اطوار داشته است [illegible] لهستان ایجاد یک **ائتلافی است از تمام دول از دریای بالتیک [illegible] تا دریای سیاه و این ائتلاف ممکن است سرحدات آلمان را حفظ [illegible] اگر چنانچه روزی اتحاد شوروی بخواهد در صورت حمله هیتلر به فرانسه و چکوسلواکی به کمک دولتین اخیرالذکر بیاید مانع از این امر بشود.**

هر [illegible] آلمان هیتلری [illegible] رهبران لهستان [illegible] اوضاع برای اجرای نقشه های [illegible] و تجاوز [illegible]

این وضع مخصوصا [illegible] در [illegible] ۱۹۳۸ [illegible] رهبران لهستان [illegible] ۱۹۳۸ [illegible] اطریش را از طرف آلمان [illegible] طرح [illegible] کشور همسایه [illegible] مقابل [illegible] آلمان [illegible] حمله [illegible] خطر [illegible] از طرف آلمان دولت لهستان به لیتوا [illegible] لشکرهای لهستانی بسوی سرحد لیتوا [illegible] ولی دولت شوروی [illegible] لهستان در مسکو را [illegible] دولت لهستان [illegible] اعمال زور نکرده و [illegible] لیتوا [illegible] دولت شوروی آزادی عمل را برای خود [illegible] لهستان [illegible] از اجرای [illegible] چکوسلواکی [illegible] لهستان [illegible] چکوسلواکی کرده و [illegible] از حقوق لهستانی های [illegible] کشور مزبور [illegible] ۱۹۳۸ [illegible] موافقت [illegible] هیتلر [illegible] چکوسلواکی کرده [illegible] لهستان [illegible] چکوسلواکی [illegible] گشت [illegible] اسلواکی جنوبی و [illegible] آورد.

(بقیه دارد)

تفسیر اخبار داخله

نظام وظیفه در رشت

از رشت اطلاع میدهند که از این سربازگیری عده [illegible] شده است و [illegible] که برای [illegible] فرستادند [illegible] و طبق [illegible] گرفته [illegible] و [illegible] شده است .

[illegible] از یک نوع گندم [illegible] تومان [illegible] شده است [illegible] که در شهر رشت [illegible] .

سرقت در فومنات

سرقت گاو در فومنات [illegible] پیدا کرده است [illegible] کافی است [illegible] که [illegible] است [illegible] و گاو های [illegible] و سرقت برده [illegible] بعنوان [illegible] تومان [illegible] و گاو را [illegible] . اگر صاحب گاو [illegible] پرداخت [illegible] گاو را گشته و گوشت آن را [illegible] .

مختاری در زندان چه میکند!

شنیده میشود [illegible] برای مختاری [illegible] وضع او [illegible] وضع [illegible] است .

[illegible] و [illegible] قانون باشد .

در خوی از سخنرانی جلوگیری میکنند

از خوی اطلاع میدهند [illegible] ۱۷ بهمن اهالی برای استماع سخنرانی آقای [illegible] جمع شده [illegible] با اینکه [illegible] موضوع [illegible] سخنرانی باطلاع اداره شهربانی [illegible] بود پس از اجتماع مردم [illegible] ویکی دو نفر مامور آگاهی در [illegible] حاضر و از طرف [illegible] از سخنرانی آقای [illegible] جلوگیری بعمل آوردند .

ما توجه آقای [illegible] و مقامات مربوطه را به جلوگیری از [illegible] اقدامات خلاف قانون مامورین محلی جلب میکنیم . اگر سخنرانی بر خلاف [illegible]

تلگراف!

[illegible]

[illegible] مردم [illegible] .

ورود آقای فداکار

آقای فداکار [illegible] تهران [illegible] .

سهمیه شکر جیره

از خوی اطلاع میدهند [illegible] .

بهداری راه آهن خوزستان

[illegible] کارگری [illegible] را شکایات [illegible] .

ساری با شهر خاموشان

ساری از [illegible] برق [illegible] خاموشان است اهالی ساری از دولت و وزارت کشور [illegible] موتور چراغ برق [illegible] و ترتیب روشنائی خیابانها و کوچه‌های ساری را بدهند .

مهمترین خبرهای خارجی

بمباران هلسینکی

[illegible]

جبهه [illegible]

[illegible]

پیشرفت نیروهای شوروی بسوی مرز [illegible]

[illegible]

آلمانها [illegible] موانع [illegible] در آنزیو رخنه کنند

[illegible]

[illegible]

یک کارخانه هواپیماسازی آلمانی کاملا ویران گردیده است

[illegible]

در هر گوشه [illegible] (پولس [illegible]) [illegible] گردیده است

...

[illegible]

بهترین هدیه

که روز نوروز امسال میتوانید بدوستان یا فرزندان و نزدیکان خود هدیه نمائید و برای شما ارزان و برای ایشان مفید و سودمند میباشد **یک جلد نوروز نامه آزادگان است** . که دو روز قبل از عید نوروز در صفحات متعدد و حجم بزرگ حاوی مطالب متنوع سودمند [illegible] با جلد اعلی و چاپ رنگی منتشر میشود متجاوز از صد و [illegible] عکس از مناظر [illegible] و همچنین رجال نامی و سیاستمداران بزرگ ایران و دنیا را دارا است **قیمت هر نسخه آن ده ریال است .** از ولایات هر کس مقابل هر جلد آن ده ریال بآدرس تهران خیابان برق . روزنامه آزادگان بفرستد فورا به آدرسی که معین نماید برای او ارسال خواهد شد

دفتر روزنامه آزادگان

اعلان

وزارت امور خارجه به یک نفر مترجم انگلیسی درجه اول که تسلط کامل در ترجمه از فارسی بانگلیسی و بالعکس داشته باشد احتیاج دارد .

داوطلبان در ساعات اداری باداره کارگزینی وزارت امور خارجه مراجعه نمایند

ش ۲۶۸ ۲-۱

آگهی مناقصه

پیرو آگهی مناقصه شماره ۱۵۱۸۰ ژاندارمری کل کشور در نظر دارد [illegible] ۹۹۷۰ عدد قمقمه [illegible] ۲۷۰۰۰ عدد [illegible] ۱۰۵۰۰ عدد [illegible] ۲۹۲۰۰ عدد فانسقه در حدود ۱۶۰۰۰ عدد مطابق مشخصات نمونه موجود در کمیسیون خرید بمناقصه میگذارد داوطلبان باید صدی پنج ارزش پیشنهادی خرید با تمام اجناس نامبرده را بعنوان سپرده بحساب شماره ۳۰۴۶۶ بانک ملی تسلیم و رسید آن را بصندوق اداره [illegible] ژاندارمری تحویل و قبض صندوق گرفته بضمیمه پیشنهادات خود تا روز ۱۴ اسفند ماه ۲۲ بدفتر اداره سررشته داری تسلیم و رسید اخذ نمایند پیشنهادات و سپرده در روز دو شنبه ۱۵ اسفند ماه ۲۲ ساعت ۹ صبح در دفتر مستشاران باز و خوانده خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه الزامی [illegible] قبول هر یک از پیشنهادات مختار است [illegible] سپرده [illegible] باینکه [illegible] در جلسه مناقصه حاضر نشود و یا اینکه بعداز انقضای مدت [illegible] اثر داده نمیشود .

ش ۳۶۷ سررشته‌داری ژاندارمری کل کشور

آگهی

تاریخ ۱۹ / ۹ / ۱۳۲۲ بانو زهرا زرگر دادخواستی بشماره ۲۲ / ۷۷۲ [illegible] گواهی پزشک و اصل شناسنامه باطله متوفی و رونوشت شناسنامه و [illegible] صدور گواهی را خواستار شده و توضیح داده [illegible] مقدس [illegible] دارنده شناسنامه شماره ۱۱۹۴ [illegible] در تاریخ ۲۹ / ۱۱ / ۲۱ در تهران [illegible] فوت نموده و [illegible] ورثه [illegible] از پدر بنام شیخ حسن مقدس [illegible] دارای شناسنامه شماره ۲۱۹۳۸ و یکنفر [illegible] بنام بانو [illegible] زرگر فرزند [illegible] دارای شناسنامه شماره ۱۵۰ در تاریخ ۲۳ / ۸ / ۲۲ در تهران فوت نموده [illegible] از بانو زهرا زرگر مادرش میباشد دادگاه [illegible] از گواهی گواهان مراتب را سه نوبت متوالی ماهی یکمرتبه در مجله رسمی و روزنامه [illegible] آگهی مینماید چنانچه کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه در دست داشته باشد ظرف سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی اعتراض خود را بدهد و با انقضاء مدت مقرر هر وصیتنامه بجز رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و گواهی مورد تقاضا صادر خواهد شد .

آ ۲۱۱

نوبت دوم ۶ / ۱۲ / ۲۲

رئیس شعبه ۲ دادگاه بخش تهران

ابوالقاسم طالقانی

پاینده باد تلفن ۳۲۵۸

ترجمه کریم کشاورز — ۴۸ — نگارش جون بی پریستلی

تاریکی گرتلی

مسی اکستون [illegible] که من [illegible] که من [illegible] خودتان واهم فراموش کرده‌ام [illegible] .

برای من گیلاسی [illegible] و [illegible] گیلاس [illegible] ماآب لیمو [illegible] کرد [illegible] را خاموش کرد [illegible] در گوشه زیر آباژور قرار گرفته بود روشن گذاشت .

هر دو در پهلوی بخاری ایستاده و گیلاس ها را بدست گرفته و صحبت می کردیم [illegible] گیلاس را بهم زدیم و در ضمن این عمل [illegible] گیلاس ها با یکدیگر [illegible] کردند .

او گیلاس را روی میز گذاشت و من هم . هر دو روبروی هم ایستاده بودیم نمی دانم چطور [illegible] ولی من حس کردم که اگر این [illegible] خواهد شد [illegible] این کار [illegible] .

مستر الیوها [illegible] گرفتم . فراموش نکنید که مستر الیوها [illegible] بلکه [illegible] .

او هم [illegible] .

[illegible] که [illegible] ماکی بود [illegible] .

[illegible] میز قرار گرفتیم .

همان چیزی که انتظار داشتم پیش آمد [illegible] الیوها [illegible] آورد که من از کارخانه [illegible] کرده ام و [illegible] من پاسخ دادم که چون در انگلستان [illegible] پیش آمد ولی مستر [illegible] کرده است که در باره من [illegible] مذاکره کند .

و بعد گفتم [illegible] امروز تصادفا یکی از مدیران کارخانه را ملاقات کردم و موضوع [illegible] .

مستر الیوها پرسید چه کسی را ملاقات کرده‌اید . من جواب دادم : «آقای سرهنک [illegible] را . آیا شما او را میشناسید ؟»

مسی اکستون گفت «کمی میشناسیم . ولی هم [illegible]»

[illegible] که سرهنک [illegible] صاحب [illegible] است [illegible] که بسابقه من [illegible] .

من برای مسی اکستون [illegible] کردم که چگونه [illegible] مرا در تمام کارخانه گردش داد و [illegible] که [illegible] کارخانه [illegible] و برای اینکه حرف خود را ثابت کنم [illegible] کاربراتور [illegible] کرده بودم [illegible] .

«گوش کنید . من [illegible] در این خصوص [illegible] از [illegible] حرف زده‌ام . خواهش میکنم این مطالب میان خودمان باشد [illegible] .»

[illegible] فکر میکردم که [illegible] در مقابل یک گیلاس شراب همین جملات را [illegible] .

مسی اکستون [illegible] گفت «[illegible] من چیزی [illegible] خواهم گفت»

من [illegible] گفتم «من هم شکی در آن نداشتم .»

مستر الیوها [illegible] کرده و گفت «اجازه می دهید یک گیلاس دیگر هم بریزم ؟»

من حس کردم که میخواهد مرا [illegible] و برای اینکه [illegible] کرده باشم از گیلاس دوم امتناع کرده و از جای برخاستم .

مستر الیوها هم از جا برخاست . من دو باره دعوت فردا را تجدید کردم و مستر الیوها هم وعده داد که فردا با او در [illegible] حضور [illegible] آورده و گفت : «شما [illegible] خارج شوید [illegible] برای شما مشکل خواهد بود [illegible] را راهنمائی کنم .» چراغ را روشن نکرده و چراغ برق جیبی را بدست گرفته و جلو افتاد [illegible] بدنبال او روان شدم . وقتی پائین پله رسیدیم [illegible] را باز کرد ولی قبل از این که

درب را گشاید دقیقه [illegible] کرد . چراغ جیبی دیگر روشن نبود و ما پهلو به پهلو در تاریکی ایستاده بودیم این دفعه او پیش‌جست و مرا بوسید گوئی عنان اختیار از دستش خارج شد . این عمل را خیلی با مهارت انجام داد ولی من ممنون شدم .

[illegible] من وقت خود را با تفکرات واهی تلف نکردم زیرا ناگهان بخاطرم آمد که تاتر واریته یعنی آنجائی که مادموازل لیلین بازی میکند بآن محل نزدیک است و در زاویه کوچه مجاور واقع میباشد .

در تاریکی راه را گم کرده و چند بار اشتباهی وارد کوچه‌های دیگر شدم ولی بالاخره تاتر را پیدا کردم و راه پشت سن را هم یافتم . آنجا از «لری» ولفم پرسیدم و گفتند فعلا روی سن مشغول بازی است و الساعه خواهد آمد که لباس عوض کرده و برای آخرین بازی خود مهیا شود و مرا به اطاق توالت او هدایت کردند .

یک معبر کوچک و [illegible] و تنگی را که [illegible] در آنجا لباس عوض میکردند اطاق توالت مینامیدند درب این اطاق در دالانی که با نور ضعیفی روشن میشد باز میشد و چنانکه قبلا اطلاع حاصل کرده بودم بعد از این اطاق محل توالت مادموازل لیلین واقع بود . باخانه میدانستم که اگر همهٔ حساب های من از آغاز تا پایان غلط نباشد مادموازل لیلین بزودی برای ایفای رل خود بایستی بروی سن برود . جلوی درب اطاق «لری» ایستاده و منتظر عبور مادموازل لیلین بودم . صداهای سن مثل امواجی که از دور بگوش برسد شنیده میشد . دالان کم نور و خالی بود و گوئی کسی در آن زندگی نمیکند . بیاد دارم که در آن لحظه تنهائی و غم و غصه‌های خود را بشدت حس کردم . بعد مادموازل لیلین از اطاق خود خارج شد و بدن را با شال مخمل ابلقی پوشانیده بود . من از جای حرکت نکرده مانند [illegible] نگریسته و تبسم میکردم و مشارالیها بدون اینکه توجهی بمن کند نگاه غضب آمیزی بروی من افکند و از پهلویم گذشت و بوی عطر بدنش را نثار من کرد .

مسن تر از آنچه از توی سن دیده میشد بنظرم آمد ولی بدنش خیلی محکم و سالم بود .

گویا به «لری» گفته بودند که کسی بدیدنش آمده و مشارالیه بمحض دخول مادموازل لیلین به سن بسوی من شتافت .

www.iran-archive.com